

حجیت احادیث اهل بیت :

عبدالکریم عبداللّهی

دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۴ _ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۶/۱۴

جایگاه اهل بیت پیامبر : و امامان معصوم به ویژه بُعد علمی و حجیت کلام آنان از موضوعاتی است که مورد توجه بزرگان اسلام بوده است. این مقاله با استناد به دو منبع مهم قرآن و حدیث (آیه تطهیر و حدیث ثقلین) با نگاهی تحلیلی و توصیفی (با استفاده از منابع اصلی) در مقام اثبات این فرضیه برآمده که: کلام و سخن اهل بیت : همچون کلام پیامبر نسبت به مسلمانان حجت و تکلیف آور است. نویسنده در استدلال به آیه تطهیر، این را یک امر تکوینی می داند که قطعاً تخلف مراد از اراده خداوند محال است و در مورد استناد به حدیث ثقلین، جداناپذیری قرآن و عترت را، نتیجه محتوای این حدیث می داند.

کلیدواژه‌ها: حجیت، احادیث اهل بیت، آیه تطهیر، حدیث ثقلین.

می خواهد هرگونه پلیدی و گناه را از (خصوص) شما خاندان پیامبر بزدايد و شما را کاملاً پاک و مَنزّه گرداند.

با توجه به امور زیر آیه شریفه بر عصمت مطلقه اهل بیت : دلالت دارد:

۱- واژه «إِنَّمَا» از قوی ترین ادوات حصر است که بر حصر حکم در موضوع دلالت دارد.

۲- واژه «رَجَسَ» یعنی پلیدی و هر

برای حجیت روایات و احادیث اهل بیت : و مرجعیت دینی و حجیت سُنّت آنان دلایلی اقامه شده است؛ از جمله:

الف) آیه تطهیر یا عصمت اهل بیت :
(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً) (احزاب/ ۳۳)، جز این نیست که خداوند

کردار آلوده و تنفرزا و کرداری که به عذاب، شک، مجازات و خشم، مُنَجَّرٌ شود^۱، و چون متعلق کلمه رَجَس، ذکر نشده بلکه «الرَّجْس»، همراه با الف و لام جنس می‌باشد که مفید جنس و طبیعت رَجَس و پلیدی است و نیز چون مؤکد به جمله «وَيُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيراً» می‌باشد، پس «لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ...» مفید نفی هرگونه پلیدی و آلودگی معنوی و گناه است، خواه صغیره باشد یا کبیره و این معنا ملازم با عصمت است.

۳- مقصود از اراده در جمله (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...)، اراده تکوینی است نه تشریحی، توضیح اینکه: هرگاه متعلق اراده خدا، امری از امور قراردادی و فعلی از افعال مکلفان باشد و به تعبیری هرگاه اراده به فعل دیگری تعلق بگیرد که با اختیار و اراده دیگری تحقق می‌یابد، اراده تشریحی است، مانند تعلق اراده خدا به گزاردن نماز، پرداخت

زکات، انجام حج و ... که میان اراده مُرِيد و تحقّق مراد، اراده و خواست دیگری واسطه است.

ولی هرگاه اراده خدا به فعل خود تعلق بگیرد، اراده تکوینی است که میان اراده خدا و تحقّق مراد، واسطه‌ای نیست؛ از این رو تفکیک و تخلف مراد از اراده خدا محال است و به عبارتی: اراده و مراد از متلاً زمان می‌باشند که (إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ) (یس/۸۲).

از این رو مقصود از اراده در آیه تطهیر، تکوینی است نه تشریحی؛ زیرا: اولاً، اراده خدا به «إِذْهَابِ رَجَس» و «تَطْهِير»، تعلق گرفته که فعل خداست که اراده تکوینی است نه فعل دیگری تا اراده تشریحی باشد.

ثانیاً، اراده تشریحی خداوند بر پاک‌ی انسان‌ها به عنوان تکلیف، به افراد و گروه خاصی مانند «اهل بیت» اختصاص ندارد، بلکه شامل همه مکلفان می‌باشد و این معنا با واژه «إِنَّمَا» سازگار نیست که مفید حصر و اختصاص این فضیلت به گروه خاصی

۱. درباره معنای «رَجَس» بنگرید به کتاب‌های لغت، مانند: *مفردات القرآن*، راغب اصفهانی، در ماده «رَجَس»: «الرَّجْسُ الشَّيْءُ الْقَذْرُ...» و الرَّجْسُ يَكُونُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَوْجِهٍ: أَمَّا مِنْ حَيْثُ الطَّبْعِ، وَأَمَّا مِنْ جِهَةِ الْعَقْلِ، وَأَمَّا مِنْ جِهَةِ الشَّرْعِ، وَأَمَّا مِنْ كُلِّ ذَلِكَ...؛ «النهائية في غريب الحديث والأثر، ابن اثير جزري».

است که همه مفسران آن را از فضائل اهل بیت شمرده‌اند.^۱

ثالثاً، همان گونه که زَمَخْشَرِي و دیگر مفسران گفته‌اند، «أَهْلُ الْبَيْتِ» منصوب به تقدیر حرف «ندا» است؛ یعنی «یا أَهْلَ الْبَيْتِ» و یا بنابر مدح است، یعنی به تقدیر فعل «أَعْنِي» یا «أَخْصُ أَهْلَ الْبَيْتِ»، همچنین در تفسیر آیه ۷۳ سوره هود می‌نویسد: «أَهْلُ الْبَيْتِ» منصوب به حرف «ندا» است؛ یعنی «یا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ فليست بمكان عَجَبٍ» و یا منصوب به اختصاص است، «لَأَنَّ أَهْلَ الْبَيْتِ مَدْحٌ لَهُمْ...» بنابر این مراد از این بیت، خانه با خشت و گل و یا سنگ و آجر نیست، بلکه مقصود، خانه معنوی است؛ یعنی خاندان نبوت، خاندان رسالت، و خاندان وحی، مانند بیت العلم و بیت الشرف.

رابعاً، تأکید «إِذْهَابِ رِجْسٍ» به جمله «وَيُطَهَّرُكُمْ».

۱. در مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، محقق اردبیلی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۲، ص ۲۷۷، (بحث صلوات در حال تشهد نماز) آمده است: انحصار شمول آیه تطهیر بر خمسۀ طیبه از باب حصر اضافی نسبت به زنان پیامبر ﷺ است، و اختصاص آیه به خمسۀ طیبه بدین سبب است که آنان در آن زمان موجود بودند.

خامساً، تأکید آن به «تَطْهِيراً» که مفعول مطلق و مفید تأکید جدیدی است.

سادساً، نکره آوردن مفعول مطلق که بیانگر عظمت این تطهیر است.

بنابر این اهل بیت پیامبر ﷺ باید معصوم و مصون از هرگونه گناه و خطا باشند؛ نظیر عصمت انبیاء، و این عصمت، موهبتی است الهی، یعنی با توجه به اینکه خداوند از ازل، به لیاقت و صلاحیت ناشی از اراده، اختیار و خواست آنان علم دارد، آنان را به نعمت عصمت، مجهز می‌کند و به تعبیری: اراده خداوند به افاضۀ عصمت، در طول اراده بندگان است.

مقصود از «اهل البيت» در آیه تطهیر

افزون بر روایات فراوان از طریق شیعه، در کتاب‌های حدیثی، تفسیری و تاریخی اهل سنت، روایات فراوانی نقل شده که آیه تطهیر در شأن پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین : نازل گردید و مقصود از «اهل البيت» همین خمسۀ طیبه می‌باشند. اینک برای رعایت اختصار، از باب نمونه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- صحیح مُسلم (کتاب فضائل الصحابة، باب فضائل اهل بیت النبی ۹، روایت عایشه، شماره ۶۱ (۲۲۲۴)).

۲- سُنَن التِّرْمِذِي، (کتاب تفسیر القرآن، سورة الأحزاب)، روایت عمر بن ابی سَلَمَه (پیش‌زاده پیامبر ۹) شماره ۳۲۰۵، و نیز باب مناقب اهل بیت النبی ۹، شماره ۳۷۹۳.

همچنین در باب فضل فاطمه ۳، روایت اُمّ سَلَمَه، شماره ۳۸۷۵ که پیامبر ۹ درباره خصوص علی، فاطمه، حسن و حسین : فرمود: «اللَّهُمَّ هُوَ لَأَهْلُ بَيْتِي وَخَاصَّتِي، أَذْهَبَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً»؛ خداوندا اینان خاندان و خواص من هستند، هرگونه آلودگی را از اینان دور کن و کاملاً پاکشان گردان.

اُمّ سَلَمَه گفت: ای رسول خدا آیا من (نیز) با اینان هستم؟ فرمود: «إِنَّكَ إِلَيَّ حَيٌّ»؛ تو عاقبت به خیری.

تِرْمِذِي در پایان این روایت می‌نویسد: «هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ...» و نیز می‌نویسد:

در این باره از انس بن مالک، عُمَر بن ابی سَلَمَه، ابوالحَمراء، مَعْقِل بن یَسَار و عایشه (نیز) روایت شده است.

۳- مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۳۳۱ و ج ۶، ص ۲۹۲.

۴- الْمُعْجَمُ الْكَبِيرُ، طَبْرَانِي، ج ۳، ص ۵۳، روایت اُمّ سَلَمَه، شماره ۲۶۶۳ و ۲۶۶۴، که پیامبر ۹ درباره علی، فاطمه، حسن و حسین : فرمود: «اللَّهُمَّ هُوَ لَأَهْلُ بَيْتِي» و «اللَّهُمَّ إِنَّ هُوَ لَأَهْلُ آلِ مُحَمَّدٍ، فَأَجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

همچنین شماره ۲۶۶۴ تا ۲۶۶۷؛ روایت واثلة الأسقع، شماره ۷۰-۲۶۶۹؛ و روایت انس بن مالک، شماره ۲۶۷۱؛ روایت ابوالحَمراء، شماره ۲۶۷۲؛ و روایت ابوسعید خُدْرِي، شماره ۲۶۷۳ که می‌گوید: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ۹: «نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِيَّ وَفِي عَلِيٍّ ۲، وَحَسَنِ ۲، وَحُسَيْنِ ۲ وَ فَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً)؛ رسول خدا فرمود: این آیه تطهیر درباره من و علی و فاطمه و حسن و حسین فرود آمده است.

همچنین ج ۲۳، ص ۳۳۶، شماره ۷۷۹، و ص ۳۳۷، شماره ۷۸۳.

۱. بنگرید به: کتاب المطوّل فی شرح تلخیص المفتاح، تفتازانی، ص ۷، سطر ۱۴: اصله اهل بدلیل اهیل خصّ استعماله فی الأشرف و من له خطّر... و نیز لسان العرب.

۵- تفسیر الطبری: جامع البیان عن تأویل آی القرآن، تحقیق محمود محمد شاکر، ذیل آیه تطهیر، روایت قتاده، شماره ۲۱۷۲۵؛ روایت ابن زید، شماره ۲۱۷۲۶؛ روایت ابوسعید خدری، شماره ۲۱۷۲۷ که می‌گوید: قال رسول الله ۹: «نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي خَمْسَةِ: فِيَّ وَفِي عَلِيٍّ ۲، وَفِي فَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، وَحَسَنٍ ۲، وَحُسَيْنٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...».

پیامبر خدا فرمود: این آیه تطهیر درباره این پنج تن نازل شده است (و نیز بنگرید به: واحدی، أسباب نزول القرآن، ذیل آیه تطهیر).

همچنین روایت عایشه، شماره ۲۱۷۲۸؛ روایت انس بن مالک، شماره ۲۱۷۲۹؛ روایت أم سلمه، شماره ۲۱۷۳۰؛ روایت ابوالحمرء، شماره ۲۱۷۳۱؛ روایت واثله بن الأسقع، شماره ۲۱۷۳۲؛ روایت ابوهریره از أم سلمه، شماره ۲۱۷۳۳؛ شماره ۲۱۷۳۴، روایت ابوسعید خدری از ام سلمه که این آیه تطهیر درباره خمس طیبه نازل شده می‌گوید: قُلْتُ: «يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَسْتُ مِنْ أَهْلِ النَّبِيِّ؟ قَالَ: «إِنَّكَ إِلَيَّ خَيْرٌ، أَنْتِ مِنْ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ ۹»؛ عرض کردم: ای رسول خدا آیا من جزء اهل بیت نیستم؟ پیامبر ۹

فرمود: تو زن نیک و عاقبت به خیری هستی و از همسران پیامبر ۹ می‌باشی. نیز شماره ۲۱۷۳۵، روایت ام سلمه؛ شماره ۲۱۷۳۶، روایت عمر بن ابی سلمه؛ شماره ۲۱۷۳۷، روایت علی بن الحسین ۷ به مردی از اهل شام؛ شماره ۲۱۷۳۸، روایت عامر بن سعد، شماره ۲۱۷۳۹، روایت أم سلمه.

۶- أحكام القرآن، جصاص، ج ۳، ص ۴۷۱.

۷- المُستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۲، ص ۴۱۶، ج ۳، ص ۱۲۲، ۱۳۳ و ۱۴۷.

۸- تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ج ۱۰، ص ۲۷۸.

۹- الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ابن عبد البر، ذیل الإصابة، ج ۸، ص ۱۵۲، شماره ۱۸۵۵.

۱۰- أسباب نزول القرآن، واحد نیشابوری، «ذیل آیه تطهیر».

۱۱- تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۱، ص ۱۸۵.

۱۲- شواهد التنزیل، حسکانی، ج ۲، ذیل آیه تطهیر.

۱۳- الکشاف، زمخشری، ج ۱، ص ۱۹۳، ذیل آیه مباحله، (سوره آل

عمران، آیه (۶۱).

۱۴ - الجامع لأحكام القرآن، قُرطبی،

ج ۱۴، ص ۱۸۳.

۱۵ - تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر،

ذیل آیه تطهیر.

۱۶ - الصواعق المَحْرِقَة فی... ابن

حَجَر هَيْثَمِي.

۱۷ - الإصابَة فی تَمییز الصَّحَابَة، ابن

حَجَر عَسْقلَانِي، ج ۷، ص ۵۹، شماره

۵۶۸۲.

۱۸ - الفصول المهمّة، ابن صَبَاغ

مالکی، ص ۸.

۱۹ - الدرُّ المَثْبُور، سیوطی، ج ۵،

ص ۱۹۸ و ۱۹۹، روایاتی را نقل می کند

که آیه تطهیر درباره خمسه طیبه نازل

شده است. از امّ سلمه نقل می کند که

پیامبر ^۹ سه بار فرمود: «اللَّهُمَّ هُوَ لَاءِ أَهْلُ

بَيْتِي وَخَاصَّتِي فَأَذْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ

وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا»، امّ سلمه می گوید:

عرض کردم: «وَأَنَا مَعَكُمْ؟» آیا من (نیز)

جزء اهل بیت هستم؟

پیامبر ^۹ دوبار فرمود: «إِنَّكَ إِلَى

خَيْرٍ!؛ تو عاقبت به خیر هستی.

پیامبر اکرم ^۹ به روایتی چهل روز^۱

و به روایتی شش ماه^۲ و به روایتی

هشت ماه و به روایت ابن عباس و

ابوالحمرء، نه ماه^۳، در زمان رفتن به

مسجد، جهت گزاردن نماز به در خانه

فاطمه ^۳ می آمد و می فرمود: «السَّلَامُ

عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،

الصَّلَاةُ رَجَمَكُمْ اللَّهُ، (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ

عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ

تَطْهِيرًا)، أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ، أَنَا سَلَمٌ

لِمَنْ سَأَلْتُمْ».

استدلال به آیه تطهیر

شماری از صحابیان و تابعان به آیه

تطهیر در شأن خمسه طیبه تمسک نموده اند

که به برخی از آنان اشاره می شود:

۱- حسن بن علی ^۴.

۲- سعد بن ابی وقاص ^۵.

۳- ابن عباس ^۶.

۴- واثله بن اسقع ^۱.

ابوسعید خُدَری.

۲. بنگرید به: سَنَن تَرْمِذِي، روایت آنس بن مالک،

شماره ۳۲۰۶: تفسیر الطبری، روایت شماره

۲۱۷۲۹.

۳. بنگرید به: الدرُّ المَثْبُور، ج ۵، ص ۱۹۹.

۴. بنگرید به: حاکم، المستدرک علی الصحیحین،

ج ۳، ص ۱۷۲.

۵. نسائی، خصائص، ص ۴.

۶. احمد بن حنبل، المسند، ج ۱، ص ۳۳۱، نسائی،

خصائص، ص ۱۱.

۱. بنگرید به: الدرُّ المَثْبُور، ج ۵، ص ۱۹۹، روایت

←

۵- علی بن الحسین ^{۲۸}.

۶- ام سلمه ^۳.

خمسه طَّيِّبه باشد یا مربوط به همسران پیامبر ^۹ آن گونه که عِکرمه و مقاتل ادعا کرده‌اند.

شبهه وحدت سیاق و پاسخ آن

گفته می‌شود که آیه تطهیر در ضمن آیات مربوط به همسران پیامبر ^۹ است؛ از این رو وحدت سیاق که از امارات کشف مراد است، اقتضا می‌کند که آیه تطهیر درباره همسران آن حضرت باشد، همان گونه که برخی از راویان مانند عِکرمه و مُقاتل ادعا کرده‌اند.

پاسخ

اولاً، وحدت سیاق وقتی از امارات کشف مراد است که دلیلی بر خلاف آن نباشد، اما در مورد آیه تطهیر، احادیث فراوان و بلکه انفاق نظر وجود دارد که به صورت مستقل نازل شده، خواه به موجب روایات فراوان یادشده درباره

سیوطی در *الإتقان*، (ج ۱، فصل هجدهم درباره جمع و ترتیب قرآن) از «ابن الحصار» نقل می‌کند: «ترتیب السُّور و وضع الآیات مواضعها إِنَّمَا كَانَ بِالوَحْيِ، كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ^۹ يَقُولُ: ضَعُوا آيَةً كَذَا فِي مَوْضِعٍ كَذَا»؛ ترتیب سوره‌ها و قراردادن آیات در جای خود براساس وحی بوده، که پیامبر ^۹ می‌فرمود: فلان آیه را در فلان موضع قرار دهید. و بدیهی است که جمع‌آوری بر حسب ترتیب نزول نمی‌باشد.

بنابر این آیه تطهیر، آیه مستقلی است که در ضمن آیات مربوط به همسران پیامبر ^۹ که لسان آن مذمت و نکوهش است قرار داده شده به مناسبت ارائه نمونه‌ای از خاندان طهارت و عصمت که همسران پیامبر ^۹ در کنار آنان زندگی می‌کنند، نظیر جمله «يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا» که در ضمن آیات ۲۸ و ۲۹ سوره یوسف قرار داده شد و نظیر آیه (الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاثْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا) که براساس مصلحت در

۱. احمد بن حنبل، *المُسند*، ج ۴، ص ۱۰۷؛ حاکم، *المستدرک علی الصحیحین*، ج ۲، ص ۴۱۶؛ طبری، *جامع البیان*، در ذیل آیه تطهیر.

۲. طبری، *جامع البیان*، ج ۲۲، ص ۵۷؛ ابن کثیر، *تفسیر القرآن العظیم* در ذیل آیه تطهیر؛ سیوطی، *الدر المنثور*، ج ۵، ص ۱۹۹.

۳. احمد بن حنبل، *المُسند*، ج ۶، ص ۲۹۸؛ طبری، *جامع البیان*، ذیل آیه تطهیر.

ضمن آیه ۳ سوره مائده قرار داده شده که مربوط به احکام لُحوم است.

ثانیاً، الف و لام «الْبَيْتِ» برای جنس یا استغراق نیست، بلکه برای عهد است و مراد از «بَيْتِ» همان گونه که زَمَخْشَرِي در تفسیر آیه ۷۳ سوره هود گفته است، خانه مادی یعنی خانه با خشت و گل و یا سنگ و آجر نیست، بلکه مقصود از آن، خانه معنوی یعنی بیت نبوت، بیت رسالت، بیت هدایت و بیت وحی است، نظیر «بُيُوتِ» در آیه ۳۶ سوره نور: (فِي بُيُوتٍ أَدْنَى اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ...)، خانه‌هایی که خداوند رخصت داده که (قدر و منزلت آنها) رفعت یابد و نام خدا در آنها یاد شود؛ مقصود خانه‌های معنوی است یعنی خانه‌های هدایت و نبوت است نه خانه‌های سنگی و گلی^۱.

ثالثاً، واژه «أهل» بر همسران اطلاق نمی‌شود مگر از باب مجاز.^۲

از زید بن ارقم پرسیده شد که اهل بیت پیامبر کیست؟ آیا همسران او از اهل بیت او هستند؟ پاسخ داد: نه به خدا قسم؛ زیرا زن مدتی با شوهر خود زندگی می‌کند، و پس از مدتی شوهرش او را طلاق می‌دهد و او به پدر و خویشان خود باز می‌گردد، اهل بیت او ریشه او می‌باشند، که صدقه بر آنان حرام است.

رابعاً، هیچ یک از همسران پیامبر^۳ ادعا نکرده‌اند که آیه تطهیر در فضیلت و منقبت ما می‌باشد، بلکه همان گونه که از پیش نگاهشته شد از عایشه و ام سلمه روایت شده که آیه تطهیر درباره خمسۀ طیبه نازل شده است.

خامساً، مستفاد از آیه تطهیر با توجه به اراده تکوینی، لزوم عصمت اهل بیت است و همسران پیامبر^۴ به اجماع امت

→ باب فضائل علی بن ابی طالب^۲، روایت شماره ۳۶ و ۳۷ (۲۴۰۸)، از زید بن ارقم روایت می‌کند که پیامبر^۳ در سرزمین «خَم» مردم را به کتاب خدا و اهل بیت سفارش کرد و سه بار فرمود: «أَذْكُرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي، أَذْكُرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي، أَذْكُرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي»، من خدا را درباره اهل بیت خود به یاد شما می‌آورم. نیز بنگرید به: طبرانی، المجمع الكبير، ج ۵، شماره ۵۰۲۸.

—
۱. بنگرید به: الفروع من الکافی، ج ۶، ص ۲۵۶، «... ما هی بَیُوتٌ حِجَارَةٌ وَلَا طِینٌ»: الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۰۳؛ روح المعانی، ذیل آیه ۳۶ سوره نور.

۲. بنگرید به: تاج العروس، ج ۷، ص ۲۱۷ و من المجاز الأهل للرجل زوجته، در صحیح مسلم،

اسلامی دارای عصمت نبوده‌اند.

شده و حتّی عِکْرَمَه در پافشاری بر این رأی در بازار داد می‌زد که این آیه در شأن زنان پیامبر ۹ فرود آمده و آن چنان نیست که شما فهمیده‌اید و هر کس بخواهد من حاضرَم با او مباحله کنم که این آیه به همسران پیامبر ۹ اختصاص دارد.^۱

سادساً، اگر آیه تطهیر، مربوط به همسران پیامبر ۹ بود باید ضمایر در آن نیز به صورت مؤنث یعنی «لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ...» می‌بود، و لذا ضمایر مذکر در آیه، شاهد بر این است که آیه مربوط به همسران پیامبر ۹ نیست.

از تعبیر یاد شده به خوبی استفاده می‌شود که عقیده مردم آن زمان بر خلاف عقیده او بوده است. و این سه نفر از مخالفان و بلکه از معاندان علیّ ابن ابی طالب 7 بوده‌اند.^۲

سابعاً، روایات فراوانی که از پیش به آن اشاره شد مانند روایت عایشه و امّ سلمه که آیه تطهیر در شأن خمسه طیبّه نازل شده است.

عِکْرَمَه بَرَبْرِي یعنی مراکشی، غلام ابن عباس و متوفای سال ۱۰۷ق، از فرقه خوارج می‌باشد، و شماری از رجال‌شناسان او را دروغگو می‌دانند، و دروغ بستن او به ابن عباس آن چنان بود که به صورت ضرب‌المثل در آمده بود که از ابن عمر نقل شده که به غلام خود

ثامناً، به موجب آیه ۴۴ سوره نحل: (وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ...) تبیین و توضیح آیات قرآن بر عهده پیامبر ۹ است و طبق روایت صحیح، آن حضرت در خصوص خمسه طیبّه فرمود: «اللَّهُمَّ هُوَ لَأَهْلٍ بَيْتِي...»؛ خدایا اینان اهل بیت من هستند.^۱

روایت عِکْرَمَه، مَقَاتِل و عُرْوَة بن زُبَيْر

از راویان یاد شده نقل شده که آیه تطهیر در شأن همسران پیامبر ۹ نازل

۲. بنگرید به: طبری، جامع البیان، ج ۲۲، روایت شماره ۲۱۷۴۰؛ واحدی، أسباب نزول القرآن، در ذیل آیه تطهیر، سیوطی، الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۹۸ و ۱۹۹.

۳. بنگرید به: ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۸۷؛ ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۵، ص ۹؛ ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۶۳.

۱. بنگرید به: سنن ترمذی، روایت امّ سلمه، شماره ۳۸۷۵.

می‌گوید: من خون یهودی را حلال نمی‌دانم، ولی اگر دستم به مقاتل برسد شکم او را می‌درم.^۲

ناگفته نماند که روایات این گونه افراد مانند ضحاک، در کتاب‌های تفسیری شیعه و سنی فراوان نقل می‌شود.

أما عروة بن زبير، طبق نوشته ابن ابی الحدید از دشمنان علی بن ابی طالب^۷ بود که هرگاه نام آن حضرت برده می‌شد او را سب می‌کرد.^۳ و اخباری در مذمت آن حضرت، جعل می‌کرد.^۴

ب) حدیث ثقلین

از احادیث صحیح مستفیض و بلکه متواتر^۵، حدیث ثقلین یعنی کتاب و عترت است که پیامبر گرامی اسلام^۹ به خاطر اهمیت آن، مکرراً سفارش کرده‌اند.

ابن حجر هیثمی می‌گوید: حدیث

۲. بنگرید به: ذهبی، *میزان الاعتدال*، ج ۴، ص ۱۷۳-۱۷۵.

۳. *شرح نهج البلاغه*، ج ۴، ص ۶۹ در شرح خطبه ۵۶.

۴. همان، ص ۶۳.

۵. درباره تواتر حدیث ثقلین بنگرید به کتاب نفیس *عقبات الأنوار*، سید حامد حسین هندی (۱۲۴۶-۱۳۰۶ق) ج ۱ و ۲.

(نافع) می‌گفت: از زبان من دروغ مساز آن گونه که عکرمة از زبان ابن عباس دروغ می‌ساخت: «أنتق الله ويحك يا نافع، ولا تكذب عليّ كما كذب عكرمة علي ابن عباس»، و حتی نقل شده که پسر ابن عباس یعنی علی بن عبدالله بن عباس او را بر در طویل (کنیف یا باب الحش) بست تا بر پدرش دروغ نبندد. عبدالله بن حارث می‌گوید: به نزد پسر ابن عباس (علی بن عبدالله بن عباس) رفتم، دیدم عکرمة را بر باب الحش بسته است، علت آن را پرسیدم. گفت: «إن هذا الخبيث يكذب علي أبي»؛ این خبیث بر پدرم دروغ می‌بندد.^۱

مقاتل بن سلیمان بلخی، متوفای سال ۱۵۰ق، نیز از فرقه خوارج می‌باشد و دشمنی خوارج با امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب^۷ روشن است. در کتاب‌های رجالی آمده است که نسائی، ابن حبان، خارجه، ابن ابی حاتم، وکیع، او را دروغگو، کذاب، دجال و جسور معرفی کرده‌اند و حتی خارجه بن مصعب

۱. بنگرید به: ابن خلکان، *وفیات الأعیان*، ج ۱، ص ۳۲۰؛ ذهبی، *میزان الاعتدال*، ج ۳، ص ۹۳-۹۷، شماره ۵۷۱۶؛ ابن حجر، *تهذیب التهذیب*، ج ۵، ص ۶۳۰، شماره ۸۴۱۲.

مزبور دارای طُرُق فراوانی است که از سوی بیش از بیست نفر از صحابه نقل شده است.^۱

همان گونه که نامبرده می‌نویسد، حدیث ثَقَلَيْنِ در مکان‌ها و زمان‌های خاص از جمله در مناسبت‌های زیر بیان شده است:

۱- در هنگام حجّة الوداع در عرفه.^۲

۲- در خطبه غدیر خم.^۳

۳- در مدینه طیبه، هنگام بیماری

مُنَجَّرٌ به رحلت که حُجره آن حضرت، پر از جمعیت اصحاب بود.^۴

قالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ

الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعَثْرَتِي ۵ أَهْلَ بَيْتِي، إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَبَدًا، وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ،

۱. الصَّوَائِقُ الْمُحَرَّقَةُ، ص ۸۹.

۲. سُنَنِ تِرْمِذِي، شماره ۳۷۹۲ به روایت جابر بن عبدالله.

۳. صحیح مُسَلِم، شماره ۲۴۰۸، به روایت زید بن اَرْقَم.

۴. الصَّوَائِقُ الْمُحَرَّقَةُ، ص ۸۹.

۵. گفتنی است که ظاهراً در کتاب‌های روایی کهن اهل سنّت تنها در کتاب مَوْطَأُ مَالِك (ج ۲، ص ۸۹۹، کتاب القدر، ح ۲) در روایت مُرسَلی کلمه «سُنَّت» به جای «عترت» آمده است که منافاتی با هم ندارند؛ زیرا عترت، نماد سنّت است.

فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمَا» ۶.

پیامبر خدا ﷺ فرمود: من در میان شما دو چیز ارزنده بر جای می‌گذارم: کتاب خدا (قرآن) و عترتم (یعنی) اهل بیتم که اگر به این دو چنگ بزیند هرگز پس از من گمراه نخواهد شد، و این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض (کوثر در بهشت) بر من وارد شوند؛ پس نگاه کنید بعد از من با آن دو چگونه رفتار می‌کنید.

در الْمُعْجَمِ الْكَبِيرِ طبرانی (ج ۵، شماره ۴۹۷۱) در ادامه حدیث آمده است: «فَلَا تَقْدَمُوهُمَا فَتَهْلِكُوا، وَلَا تَقْصُرُوا عَنْهُمَا فَتَهْلِكُوا، وَلَا تُعَلِّمُوهُمَ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ ۷» بر قرآن و عترت پیشی نگیرید که تباه شوید، و از آن دو کوتاهی نکنید که تباه شوید، و به آنان نیاموزید، زیرا آنان از شما داناترند.

۶. برگرفته از مُسْتَدْرَكُ الصَّحِيحِينَ، ج ۳، ص ۱۴۸ و ۱۰۹ به روایت زید بن ارقم؛ صحیح مُسَلِم، شماره ۲۴۰۸، به روایت زید بن ارقم؛ سُنَنِ تِرْمِذِي، شماره ۳۷۹۲ به روایت جابر بن عبدالله و ۳۷۹۴ به روایت زید بن ارقم.

۷. در الْمُعْجَمِ الْكَبِيرِ، ج ۳، شماره ۲۶۸۱، آمده است: «وَلَا تُعَلِّمُوهُمَا فَإِنَّهُمَا أَعْلَمُ مِنْكُمْ». نیز بنگرید به: ابن حجر، الصَّوَائِقُ الْمُحَرَّقَةُ، ص ۸۹ و ۱۳۵، باب وصیة النبی بهم.

جهت نامگذاری قرآن و عترت به ثَقَلَيْنِ
 واژه «ثَقَلَيْنِ» تشبیه «ثَقْل» (بر وزن قَمَر) به معنای هر چیز ارزنده و گرانبه‌ای حفاظت شده است^۱ و جهت نامیدن قرآن و عترت به «ثَقَلَيْنِ» برای نشان دادن قدر و منزلت آن دو می‌باشد.^۲

ابن حَجَر هَيْثُمِي می‌گوید: رسول خدا ﷺ قرآن و عترت را «ثَقَلَيْنِ» نامیده است، برای اینکه «ثَقْل» هر چیز نفیس و گرانبه‌ای، والا و صیانت شده است، و قرآن و عترت چنین هستند؛ زیرا هر یک از این دو مَعْدِنِ علومِ لَدُنِّي، اَسْرَار و حِكْمِ عالی، و احکام شریعت‌اند، از این رو پیامبر ﷺ بر پیروی از اهل‌بیت : و تمسک به ایشان و فراگیری دانش از ایشان، (تشویق نموده و) اصرار ورزیده است^۳؛ و فرمود: ستایش ویژه خداست که حکمت را در میان ما اهل‌بیت قرار داده است.

و گفته شد که کتاب و عترت، به سبب سنگینی و جوب رعایت حقوق این دو «ثَقَلَيْنِ» نامیده شدند.

در ادامه می‌نویسد: از میان عترت و اهل‌بیتی که بر روی آنان تأکید واقع شده تنها آنانی هستند که به کتاب خدا (قرآن) و سنت پیامبر خدا ﷺ شناخت دارند؛ زیرا فقط اینانند که تا دامنه قیامت از قرآن جدایی نپذیرند (و ملازمه دارند)، و این حقیقت را تأیید می‌کند، حدیثی که فرمود: به آنان نیاموزید، زیرا آنان از شما داناترند، و بدین جهت از دیگر عالمان ممتازند؛ زیرا خداوند هر گونه پلیدی و گناه را از اهل‌بیت : زدود و آنان را پاک گردانید، و آنان را به کرامات چشمگیر و مزایای فراوان، شرافت بخشید... و در احادیث مربوط به تشویق و اصرار بر تمسک به اهل‌بیت، اشاره به (دوام و) عدم انقطاع (شخص) شایسته‌ای از این خاندان برای تمسک به او، تا روز قیامت است، همان‌گونه که قرآن چنین می‌باشد و برای همین است که اهل‌بیت، (آمن و)

۱. بنگرید به: فیروزآبادی، القاموس المَحیط، ماده «ثَقْل».
۲. ابن اثیر، النهایه، ابن منظور، لسان العرب، ماده «ثَقْل».
۳. الصواعق المَحْرِقَة، ص ۱۳۵، باب وصیة النبی بهم.

آمان برای زمینیان اند.^۱

خطاست، عترت نیز که قرین و عدل
آن است چنین می باشد.

در ادامه می نویسد: شایسته ترین
شخصی که به او از این خاندان تمسک
می شود، امام و عالمشان علی بن ابی
طالب - کرم الله وجهه - است،... و از
این روست که ابوبکر گفته است: علی
عترت رسول خدا^۲ است.

۲- لزوم تمسک به قرآن و عترت

تمسک و تبعیت از قرآن و عترت،
موجب نجات و رهایی قطعی از ضلالت
است، چنان که پیامبر^۳ فرمود: «إِنْ
تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَبَدًا»؛ اگر به
این دو چنگ بزنید هرگز پس از من
گمراه نخواهید شد. و نیز فرمود:
«فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمَا»؛ نگاه کنید
پس از من با آن دو چگونه رفتار
می کنید، و طبق روایت طبرانی، پیامبر^۳
فرمود: «فَلَا تَقْدَمُوهُمَا فَتَهْلِكُوا، وَلَا تَقْصُرُوا
عَنْهُمَا فَتَهْلِكُوا»؛ از قرآن و عترت، پیشی
نگیرید که تباه شوید، و از آن دو
کوتاهی نکنید که تباه شوید.

نکات مستفاد از حدیث ثقلین

۱- عصمت اهل البیت :

از جمله نکات مستفاد از این
حدیث، ثبوت عصمت عترت (اهل
البیت) و به تعبیر دیگر: حجیت
سنت و احادیث و روایات آنان است؛
زیرا اقتران میان قرآن و عترت، دلیل
بر عصمت عترت است، یعنی همان
گونه که قرآن به موجب آیه شریفه ۴۲
سوره فُصِّلَتْ: (لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ
يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ)، هیچ گونه باطل و
نادرستی نه از پیش رو و نه از پشت
سر به آن راه نمی یابد، و معصوم از

۳- تلازم قرآن و عترت

از جمله نکات مستفاد از حدیث
ثقلین، ملازمه میان قرآن و عترت است
که فرمود: «إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا...»؛ این دو
هرگز از هم جدا نمی شوند. از این رو
می توان انفکاک ناپذیری کتاب و عترت
را همچون طلوع خورشید و روز به
صورت قضیه شرطیه متصله لزومیّه بیان

۱. بنگرید به: المستدرک علی الصحیحین، ج ۳،
ص ۱۴۹.
۲. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۱۵،
شماره ۳۶۷۴: الصواعق المحرقة، ص ۹۰.

کرد.

ج) احادیث اهل البیت : احادیث پیامبر ﷺ است

براساس روایات و احادیث رسیده از اهل البیت : احادیث آنان همان احادیثی است که از جدشان رسول خدا ﷺ دریافت کرده‌اند، نه اینکه آرای شخصی آنان باشد.

هشام بن سالم و حماد بن عثمان و غیره گفته‌اند: از امام صادق ⁷ شنیدیم که می‌فرمود: «حَدِيثُ أَبِي، وَحَدِيثُ أَبِي حَدِيثُ جَدِّي، وَحَدِيثُ جَدِّي حَدِيثُ الْحَسَنِ، وَحَدِيثُ الْحَسَنِ حَدِيثُ الْمُؤْمِنِينَ : وَحَدِيثُ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ⁷ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ، وَحَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ ⁹ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.»^۱

حدیث من حدیث پدر من (امام باقر) است، و حدیث پدرم حدیث جدّم (امام سجّاد)، و حدیث جدّم حدیث (امام) حسین، و حدیث (امام) حسین حدیث (امام) حسن حدیث امیرالمؤمنین، و حدیث امیرالمؤمنین حدیث رسول خدا ﷺ و حدیث رسول خدا سخن خدای عزّ و جلّ

—

۱. کُلَيْبِيُّ، *الأصول من الكافي*، ترجمه کمره‌ای، ج ۱، ص ۹۱، ح ۱۴، کتاب فضل العلم، باب روایة الكتب والحديث و نیز بنگرید به: ابن حَجَر، *تهذيب التهذيب*، ج ۲، شماره ۹۹۴.

۴- ضرورت بقای عترت تا روز

قیامت

تعبیر به «إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ» دلیل بر بقای عترت در کتاب قرآن تا دامنه قیامت است؛ زیرا در فرض خالی بودن زمانی از عترت، لازم می‌آید افتراق و جدایی میان کتاب و عترت، که این فرض با صریح حدیث (مبنی بر عدم افتراق قطعی میان این دو) منافات دارد.

همان گونه که ابن حَجَر گفته است در اصرار حدیث بر تمسک به اهل بیت، اشاره به این است که باید دائماً شخصی از اهل بیت پیامبر ﷺ که اهلیت برای تمسک دارد، تا روز قیامت باشد.

۵- اَعْلَمِيَّتِ عْتَرَتِ

براساس نقل روایت طبرانی، پیامبر ﷺ فرمود: «لَا تُعْلَمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ»؛ به آنان نیاموزید، زیرا آنان از شما داناترند، و ابن حَجَر گفته است هر یک از قرآن و عترت معدن علوم لدُنّی، اسرار و حِکْم عالی و احکام شریعت می‌باشند.

است.

حقایق دینی از دیگران عالم تر و آگاه تر می باشند. این موضوعی است که هر انسان منصف با ملاحظه مستندات علمی و تاریخی موجود در منابع تشیع و اهل سنت و به ویژه قرآن، بر آن مهر تأیید می نهد.

منابع

۱. آلوسی، ابوالفضل شهاب الدین سید محمود آلوسی بغدادی، شافعی (م ۱۲۷۰ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، دارالفکر، بیروت - لبنان ۱۴۱۷ق / ۱۹۹۷م.
۲. ابن اثیر، مجد الدین ابوالسعادات، مبارک بن محمد بن اثیر جَزْرِيّ (۵۴۴ - ۶۰۶ق)، النّهاية فی غریب الحديث والأثر، دارالکتب العلمیة، بیروت - لبنان، ۱۴۱۸ق / ۱۹۹۷م.
۳. ابن حجر، حافظ شهاب الدین، ابوالفضل ابن علی عَسْقَلَانِيّ، معروف به ابن حجر عَسْقَلَانِيّ (۷۷۳ - ۸۵۲ق)، الإصابة فی تمیيز الصحابة، چاپ مصر، ۱۳۹۶ق / ۱۹۷۶م.
۴. ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع زُهْرِيّ بَصْرِيّ (۱۶۸ - ۲۳۰ق)، الطبقات الکبری، دار صادر للطباعة والنشر، ۱۳۷۷ق / ۱۹۵۸م.
۵. ابن عبدالبرّ، ابوعمّر یوسف بن عبدالله بن محمد ابن عبدالبرّ قُرْطُبِيّ (۳۶۸ - ۴۶۳ق)، الأستیعاب فی معرفة الأصحاب، چاپ مصر، ۱۳۹۶ق / ۱۹۷۶م.
۶. ابن عساکر، حافظ ابوالقاسم علی بن حسن

جابر گفت به امام باقر ^۷ عرض کردم هرگاه حدیثی برای من می گویند، اسناد آن را نیز برای من بگویند، فرمود: «حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ، عَنْ جَبْرِئِيلَ، عَنْ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَكَلَّ مَا أَحَدَّثُكَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ»، و قال: «يا جابرُ لحديث واحد تأخذه عن صادق خیر لك من الدنيا و ما فيها»؛ پدرم از جدّم رسول خدا، از جبرئیل، از خدای عزّوجلّ، برای من حدیث نقل کرده است، و هر حدیثی که برای تو می گویم به همین سند است؛ و فرمود: ای جابر، اگر یک حدیث را از راوی راستگو دریافت کنی از دنیا و آنچه در دنیاست برای تو بهتر است!

نتیجه

با توجه به آنچه در باب استدلال برای حجیت کلام و سنت اهل بیت گفته شد، می توان این گونه اذعان کرد که سخنان و رفتار امامان معصوم : تنها راه مطمئن برای فهم و شناخت نظام فکری و عملی اسلام است. آنان هم از خطا و اشتباه مصون هستند و هم به

۱. بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۱، ص ۱۲۸، شماره ۱۰۴.

- العلمية، بيروت - لبنان، ١٤١١ق / ١٩٩٠ م.
١٥. حاكم حسكاني، حافظ ابوالقاسم عبيد الله ابن عبدالله بن احمد بن محمد (م ٤٩٠ق)، *شواهد التنزيل*، مؤسسه أعلمى بيروت - لبنان، ١٣٩٣ق / ١٩٧٤ م.
١٦. حكيم، سيد محمد تقى، *الأصول العامة للفقهاء المقارن*، مركز الطباعة والنشر للمجمع العالمي لأهل البيت : چاپ دوم: ١٤٢٧ق.
١٧. خطيب بغدادى، حافظ ابوبكر احمد بن على بن ثابت (٣٩٢ - ٤٦٣ق)، *تاريخ بغداد*، مطبعة السعادة، بمصر، ١٣٤٩ق.
١٨. ذهبي، ابو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان ذهبي (٦٧٣ - ٧٤٨ق)، *دار إحياء الكتب العربية*، ١٣٨٢ق.
١٩. راغب اصفهاني، ابوالقاسم حسين بن محمد ابن مفضل (م ٥٠٢ق)، *المفردات فى غريب القرآن*، كتابفروشى مرتضوى، تهران، بى تا.
٢٠. زبيدي، محمد بن عبدالرزاق حسيني يمانى حنفى، مشهور به سيد مرتضى (١١٤٥ - ١٢٠٥ق)، *تاج العروس من دُرر القاموس*.
٢١. زمخشري، جارالله محمود بن عمر، حنفى (م ٥٢٨ق)، *الكشاف...*، دارالكتاب العربى، بيروت - لبنان، بى تا.
٢٢. سبيوطى، جلال الدين عبدالرحمان بن ابى بكر ابن محمد شافعى (٨٤٩ - ٩١١ق)، *الإتقان فى علوم القرآن*، چاپ پنجم: ١٤٢٢ق.
٢٣. _____، *السُدُرُ المشهور...*، دارالمعرفة للطباعة و النشر، بيروت - لبنان.

- ابن هبة الله بن عبدالله شافعى، (٤٩٩ - ٥٧١ق)، *تاريخ مدينة دمشق*، دارالفكر، بيروت - لبنان، ١٤١٥ق.
٧. ابن كثير، حافظ عمادالدين ابوالفداء اسماعيل ابن كثير دمشقى (٧٠١ - ٧٧١ق)، *تفسير القرآن العظيم*، بيروت - لبنان، بى تا.
٨. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدين محمد بن منظور (٦٣٠ - ٧١١ق)، *لسان العرب*، داراحياء التراث العربى، بيروت - لبنان، ١٤٠٨ق / ١٩٨٨ م.
٩. احمد بن حنبل شيبانى (١٦٤ - ٢٤١ق)، *مسند الإمام احمد بن حنبل*، (دوره شش جلدى)، المكتب الإسلامى، دار صادر، بيروت، ١٣٨٩ق / ١٩٦٩ م.
١٠. بروجردى، حاج آقا حسين طباطبايى (١٢٩٢ - ١٣٨١ق = ١٣٤٠ ش)، *جامع أحاديث الشيعة*، مطبعة علميه قم، ١٣٩٩ق.
١١. ترمذى، ابوعيسى محمد بن عيسى بن سوره ترمذى (م ٢٩٧ق)، *سنن الترمذى*، دارالكتب العلمية، بيروت - لبنان، ١٤٢٤ق / ٢٠٠٣ م.
١٢. تفتازانى، سعدالدين مسعود بن عمر بن عبدالله هروى شافعى خراسانى (م ٧٩١ق)، *المطول فى شرح تلخيص المفتاح*، المكتبة العلمية الإسلاميه، تهران، ١٣٧٤ق.
١٣. جصاص، ابوبكر احمد بن على رازى (م ٣٧٠ق)، *أحكام القرآن*، دارالكتب العلمية، بيروت - لبنان، ١٤١٥ق.
١٤. حاكم نيشابورى، حافظ ابوعبدالله محمد بن عبدالله (٣٢١ - ٤٠٥ق)، *المستدرک على الصحيحين* (دوره چهار جلدى)، دارالكتب

٣٤. هَيْثَمِي، احمد بن حَجَر هَيْثَمِي مَكِّي (٨٩٩ - ٩٧٤ق)، *الصَّوَاعِقُ الْمُحْرَقَةُ فِي الرَّؤْيَى عَلَى أَهْلِ الْبَيْتِ وَالزَّنَادِقَةِ*، چاپ مصر، ١٣١٢ق.

٢٤. شرف الدين، سيدعبدالحسين (١٢٩٠ - ١٣٧٧ق)، *المراجعات*، تهران، بی تا.

٢٥. طَبْرَانِي، حافظ ابوالقاسم سليمان بن احمد طبرانی (٢٦٠ - ٣٦٠ق)، *المعجم الكبير*، داراحياء التراث العربي، ١٤٠٤ق.

٢٦. طبري، ابوجعفر محمد بن جرير (٢٢٤ - ٣١٠ق)، *جامع البيان...*، تحقيق محمود محمد شاكر، دارالفكر، بيروت، ١٤١٥ق.

٢٧. طبري، حافظ مُحب الدّين احمد بن عبدالله طبري (٦١٥ - ٦٩٤ق)، *ذخائر العقبى...*، دارالمعرفة، بيروت، ١٩٧٤ م.

٢٨. فيروزآبادي، مجدالدّين محمد بن يعقوب (٧٢٩ - ٨١٧ق)، *القاموس المحيط*.

٢٩. قُرْطُبِي، ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابي بكر (٥٧٨ - ٦٧١ق)، *الجامع لأحكام القرآن*، دارالفكر للطباعة و النشر، ١٤١٤ق.

٣٠. مُتَقِي هِنْدِي، علاء الدّين عليّ مُتَقِي بن حسام الدّين هِنْدِي (م ٩٧٥ق)، *كنز العمال...*، مؤسّسة الرّسالة، بيروت، ١٤٠٩ق.

٣١. مُسَلِم نِيْشَابُورِي (م ٢٦١ق)، *صحيح مُسَلِم*، دارالكتب العلميّه، بيروت - لبنان، ١٤١٩ق / ٢٠٠٦ م.

٣٢. مقدّس اردبيلي، احمد بن محمد (م ٩٩٣ق)، *مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان*، چاپ جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٤٠٦ق.

٣٣. واحدي، ابوالحسن عليّ بن احمد بن محمد بن عليّ واحدي، *أسباب نزول القرآن*، چاپ رياض، عربستان سعودي، ١٤٢٦ق / ٢٠٠٥ م.